



گفت و گوی «وطن امروز» با حجت الاسلام ماندگاری درباره اقدامات سیدالشهدا (ع) برای اصلاح امت پیامبر (ص)

حاکمیت اموی بزرگ‌ترین عامل فساد مردم



امیر المومنین علی (ع) در روایتی گرانبها می‌فرماید: «الْأَنْبَاءُ بَأْمَرِ أَهْلِهَا أَسْبَغَتْ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ مردم به فرمانروایان خود شبیه‌ترین تا به پدران خود». براساسی این یک حقیقت تاریخی است که مردم در هر دوره پشدت تحت تاثیر حاکمیت زمان خود هستند و خوی و سبک زندگی حاکمان زمان خود را پیدا می‌کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه یک نقل تاریخی را بیان می‌کنند که بسیار قابل تأمل است: «در یکی از تاریخ‌ها خواندم زمانی که ولید بن عبدالملک خلیفه شده بود، چون خیلی اهل جمع کردن ثروت و جواهرات و اشیای قیمتی بود، مردم کوچه و بازار وقتی به همدیگر می‌رسیدند، مکالمات‌شان از این قبیل بود: آقا فلان لباس را آوردند، شما خریدید؟ آقا فلان نگیان را فلان کس آورده، شما خریدید؟ یعنی مردم هم‌هانش راجع به خرید و فروش وسایل و اشیای زینتی و امثال

به این مسائل تذکر دهند اما امام حسین (ع) می‌فرماید آب از سرچشمه گل آلود شده است. وقتی حکومت، حکومت ظلم و باطل باشد، معروفها منکر و منکرها معروف می‌شوند. یک نفر از من پرسید فرق حکومت اسلامی با حکومت طاغوت چیست؟ در هر ۲ عبادت و مصیبت می‌شود. گفتم تفاوت این است که در حکومت اسلامی معروف قانونی است، منکر قاچاقی است؛ الان کسی خواهد منکر انجام دهد می‌تواند اما قاچاقی انجام می‌دهند. الان بی‌حجابی و شراب‌خواری بی‌قانونی است. اما در زمان حکومت ظالم و جائر منکر قانونی است، مثلا مشروب‌فروشی‌ها و راقص‌خانه‌ها زمان طاغوت رسمی بود و معروف قاچاق بود. امام حسین (ع) می‌فرماید اگر آب از سرچشمه درست کنید، جامعه درست می‌شود، یعنی اگر حکومت، درست شود، آرام آرام معروف‌ها در جایگاه خود قرار می‌گیرد و منکرات از جامعه رخت بر می‌پندند. برای این است که امام بزرگوار و رهبر عزیز و همه اولیای دین بر حفظ نظام اسلامی تأکید می‌کردند که حفظ نظام از واجب واجبات است. اگر ما می‌خواهیم در جامعه خود امر به معروف و نهی از منکر در تراز امر به معروف و نهی از منکر امام حسین باشد، باید بالاترین معروف را بشناسیم که بالاترین معروف، حفظ نظام و تقویت این نظام است. ما نمی‌گوییم نظام اشکال ندارد، قطعا مشکلاتی در این حکومت است اما اصل نظام معروف است. در اینکه اصل نظام بر اساس اسلام، قرآن و ولایت فقیه استوار است، شکی نیست. اگر می‌خواهیم پیرو امام حسین باشیم، بالاترین معروف تقویت و حفظ و تمکین و حمایت این نظام است و بالاترین منکر حرکت از سرچشمه گل آلود شده است.

«انسان زمانی که در مسیر بندگی خدا باشد، از جهل و نادانی دور است». بنابراین هدف حرکت سیدالشهدا علیه‌السلام این بود که بندگان خدا را به سمت عبودیت و بندگی سوق دهد، به همین خاطر یکی از صفات امام حسین علیه‌السلام «دعوت کننده به سوی خدا» است. بنابراین کسی که در مسیر اباعبدالله‌الحسین قرار گیرد، یقینا در مسیر عبودیت خدا قرار گرفته است. در اینجا این سوال مطرح می‌شود: چرا از بین معصومین این صفت به امام حسین اختصاص یافته است، مگر امامان دیگر دعوت‌کننده به سوی خدا نبودند؟ در جواب باید گفت دعوت به سمت خدا به چند روش ممکن می‌شود. ابتدا به صورت گفتاری و در قالب کلمات و بیانات و دومین روش به شیوه رفتاری یعنی با سیره عملی که همه معصومین با این دو روش مردم را به سمت دین خدا دعوت کردند اما سومین شیوه دعوت با ریخته شدن خون در راه خدا می‌شود که این شیوه منحصر به حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام است. در این روش امام با نثار خون پاک خویش مردم را به سوی خدا دعوت کرد که این روش موثرترین شیوه برای سوق دادن مردم به سمت عبودیت و بندگی خداست. چرا حضرت سیدالشهدا برای ایجاد اصلاح در جامعه و جلوگیری از افزایش فساد و انحراف در بین مردم بنا را بر مخالفت با حکومت یزید گذاشتند و با حاکمیت مقابله فرمودند؟

از منظر تعالیم اسلامی نقطه اصلی معروف و منکر حکومت است. لذا امام حسین (ع) فرمود «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، تَاكْتَلِفُ لِقَاءَهُ لِيَسْتَوْسِلَ إِلَيْهِ، يَغْلِبُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَالْإِيمَانِ وَالْعَدْوَانِ فَلَمْ يَغْبِرْ عَلَيْهِ بِغُلٍّ، وَ لَا قَوْلًا، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ، هَر كَس سُلْطَانٍ سَتَمَّغِرِي رَأْيِي بَيْنَهُ كَرَامِ خَدَا رَحَالَ شَمْرَهُ، بِيَعَانِ الْهَيْ رَا شَكْسْتَهُ وَ بَا سَنْتِ رَسُولِ خَدَا مَخَالَفَتِ وَرِيذَهُ، دَر مِيَانِ بِنْدِگَانِ خَدَا بَه سَنْتَمِ فِتَارِ مِي كَنْد؛ و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت بر نخیزد، سزاول است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوخ) ببندازد». در زمان امام حسین (ع) بی‌حجابی هست، شراب‌خواری و صادرات زن راقصه در مدینه هست اما امام روی اینها دست نگذاشت با اینکه اینها همه منکر است و ولی خدا و مومنین و مومنان حتما باید منکرها معروف می‌شوند

و شخصیت دارد... و نمونه‌های مختلف دیگر. در آن زمان ذائقه مردم در خوراک، پوشاک و ازدواج و مهم‌تر ذائقه مردم در تشخیص حاکم و امیر را تغییر دادند. به جای اینکه امام حسین (ع) و امام حسن (ع) و امیرالمومنین علی (ع)، امیر مردم باشند، یزید و معاویه امیر مردم می‌شوند. بنابراین علت اینکه امام هدف قیام خود را اصلاح امت جد گرمایش و امر به معروف و نهی از منکر گذاشت از همین رو بود و در همین رابطه حضرت فرمود جای معروف و منکر عوض شده است. حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بَلَّغْتَ الْأَمَةَ بَرَاعَ مِثْلِ يَزِيدَ، فَاتَّحَةَ إِسْلَامَ رَا بَايِدْ خَوْلَانِدْ، زِيَارَتِ اسْلَامِ كِرْفَتَارِ چوپانی همانند یزید شده است». وقتی یزید بن معاویه سگبار، میمون‌باز و شراب‌خوار امیرالمومنین می‌شود و معروف تبدیل به منکر می‌شود، اینجا باید قیام کرد و درباره معروف و منکر اصلی جهاد تبیین کرد و به مردم حقیقت را نشان داد. امروز اگر شما می‌بینید حضرت آقا مکررا به جهاد تبیین سفارش می‌کنند، بدین معناست که باید معروف و منکر اصلی را به مردم نشان دهیم.

وقتی حضرت مشاهده کردند حکومت جای منکر و معروف را در بین مردم عوض کرده است، چه اقدامات فرهنگی‌ای انجام دادند؟ آیا اصلاح قیام عاشورا یک کار فرهنگی بود؟ قیام حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) صرفا یک حرکت جهادی علیه جریان باطل نبود، بلکه یک حرکت فرهنگی برای ایجاد دگرگونی در وضعیت فرهنگی آن زمان بود، چرا که به تعبیر آن حضرت از دین در عمل و مصداق جزیری جز نام باقی نمانده بود. در چنین فضایی آن حضرت به فکر ایجاد تحول فرهنگی در جامعه مسلمین افتاد تا از این طریق مردم را به سمت بندگی خدا سوق دهند. حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام در کلامی نورانی فرموده:

ابتدا بفرمایید جامعه و مردم زمان سیدالشهدا دچار چه انحرافات و ارتجاعاتی شده بودند که حضرت اصلاح امت اسلامی را یکی از اهداف قیام خود معرفی در این راه جانفشانی کردند؟ در جامعه زمان امام حسین (ع)، دشمن با ترفندها و لطایف‌العجبی ذائقه مردم را تغییر داده بود. در سوره توبه خوانند می‌فرماید: در برخی جوامع ذائقه مردم عوض می‌شود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ فَتَفْسَدُوا دِينَكُمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا هُمْ أَجْمَعُونَ» یعنی جای معروف و منکر عوض می‌شود. امروز هم دشمن همین کار را می‌خواهد انجام دهد و ذائقه مردم را تغییر دهد و جای معروف و منکر را عوض کند. به عنوان مثال یک روز حجاب در عرف جامعه‌ای که مبتنی بر دستورات دین است، دشمن دیگر حجاب عقباقت‌گذاری و زیبایی است ولی یک زمان دیگر حجاب در عرف جامعه‌ای است و بی‌حجابی می‌شود شخصیت و کلاس، یک روز لباس سالم برای آدم شخصیت است و امروز لباس پاره کلاس و شخصیت می‌شود. یک روز زندگی با حیوانات برای انسان افت دارد و امروز زندگی با حیوانات برای برخی کلاس

در جامعه زمان امام حسین (ع) دشمن با ترفندها و لطایف‌العجبی ذائقه مردم را تغییر داده بود. در برخی جوامع ذائقه مردم عوض می‌شود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ فَتَفْسَدُوا دِينَكُمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا هُمْ أَجْمَعُونَ» یعنی جای معروف و منکر عوض می‌شود. امروز هم دشمن همین کار را می‌خواهد انجام دهد و ذائقه مردم را تغییر دهد و جای معروف و منکر را عوض کند. به عنوان مثال یک روز حجاب در عرف جامعه‌ای که مبتنی بر دستورات دین است، دشمن دیگر حجاب عقباقت‌گذاری و زیبایی است ولی یک زمان دیگر حجاب در عرف جامعه‌ای است و بی‌حجابی می‌شود شخصیت و کلاس، یک روز لباس سالم برای آدم شخصیت است و امروز لباس پاره کلاس و شخصیت می‌شود. یک روز زندگی با حیوانات برای انسان افت دارد و امروز زندگی با حیوانات برای برخی کلاس

توجه کنیم اما اگر نظام اسلامی با قدرت و اقتدار در جایگاه خود قرار بگیرد، آرام آرام معروف‌ها زیاد می‌شود و کما و کیفا گسترش پیدا می‌کند و منکرات هم از بین می‌رود. چرا امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) به مقابله نظامی و جنگ سخت با حکومت وقت منتهی شد؟ زیرا دشمنان احساس کردند امام حسین (ع) فقط به بیان اکتفا نمی‌کند. امام می‌خواهد ریشه منکر را بکند، چون مردم از حضرت دعوت کردند، اگر مردم از امام دعوت نمی‌کردند و مثل زمان امام حسن (ع) می‌گفتند که ما از جنگ بیزاریم و قیام نمی‌کنیم، شاید امام حسین هم ۱۰ سال روش امام حسن را ادامه می‌داد اما روزی که مردم اعلام آمادگی کردند امام بر خودش تکلیف دید که قیام کند و به سمت مردم کوفه حرکت کند. اینکه می‌گوییم نقش مردم به این خاطر است که مردم به امام‌شان گفتند ما از این حکومت ظلم و جور خسته شدیم، اگر مردم آماده اقامه معروف و باطل منکر نباشند، امام ابزار تشکیل حکومت واجب‌است. تشکیل حکومت همیشه واجب است اما وقتی مردم همراه امام نباشند، امام ابزار تشکیل حکومت ندارد. آنجایی که مردم برای امام حسین نامه نوشتند در امام حرکت واجب شد و باید به سوی مردم حرکت می‌کرد. ۱۵ خرداد ۲۲ همه مردم حرکت نکردند، انقلاب به پیروزی نرسید و حکومت اسلامی تشکیل نشد. ۲۳ بهمن ۵۷ همه مردم آمدند و گفتند نظام شاهنشاهی را نمی‌خواهیم، لذا امام موفق شد و انقلاب به پیروزی رسید. بنابراین اگر امر به معروف و نهی از منکر امام حسین منتهی به مقابله با دشمن نشد، چون مردم همراهی نکردند، اگر مردم همراهی نمی‌کردند، شاید امام حسین هم مانند باقی اهل بیت (ع) فقط به جهاد بیان و تربیت یار می‌پرداخت.

آن روز علشورا پیش آمده این نکته را بخوبی می‌بینید که امام خواسته است در واقعه کربلا با همه دستکاری‌هایی که شد، با همه تحریف‌هایی که واقع‌نگارهای سپاه دشمن در آن کردند، آنچه از این واقعه و تاریخ آن برای مردم آینده می‌ماند، درسی آموزنده باشد. در روز عاشورا بعد از آنکه حضرت جبهه‌بندی می‌کند و مشخص می‌شود باید جنگ کرد، دستور می‌دهد خیمه‌ها را بیاورند، یکجا جمع کنند. در خندق که پشت خیمه‌ها کنده بودند، هیزم کافی ریختند. فرمود آنها را آتش زبند تا دشمن از پشت حمله نکند. بعد سپاه هفتاد و چند نفری خودشان را منظم کرد، طبق نظام لشکری آن روز میمنه و میسره و قلب و پرچمدار و علمدار معین کرد. در همین موقع که حضرت مشغول تنظیم سپاه خودش است، یک عده از سپاه دشمن و سواران گفتند بیاییم از پشت به اردوی حسین حمله کنیم، یکی از آنها با سر کرده آنها شمر بود. آمدند حمله کردند دیدند عجب خندقی است، گویی جنگ بزرگی در پیش است که برای آن خندق و آتش تهیه دیده‌اند. از این نظم دقیق در کار حسین بن علی ناراحت شدند و شمر فریاد زد: ای حسین! آتشی را که در روز قیامت در انتظارت است، به دست خودت در دنیا درست کردی؟ این جمله مثل تیری زهرآگین در قلب دوستان و هواداران حسین فرو رفت و نیش می‌زد. مسلم بن عوسجه عرض کرد آقا جان اجازه بدهید من این مرد خبیث را از اینجا با تیر بزنم تا کشته شود. دقت کنید، امام فرمود: نه! من حاضر نیستم، ما جنگ را شروع کنیم تا دنیا بداند من در راه همان پیغمبری قدم می‌گذارم که در

تمام جنگ‌های اسلام، جنگش صورت دفاع از حوزه اسلام داشت تا کسی جرأت نکند بگوید پیغمبر و خاندانش با زور مشمیری می‌خواستند حرف خودشان را پیش ببرند. باید دنیا بداند من جنگ را آغاز نکردم. فرمود: نه! تیر نینداز، بگذار آنها شروع کنند. سپاه را تنظیم کرد، بعد فرمود: بگذارید من پیش از هر کاری با این مردم صحبت کنم. * * * اهل بیت، در مسیر کوفه تا شام و از آنجا تا مدینه، راه را برای نفوذ حادثه کربلا باز کردند. اما بر سر راه تفسیر تاریخی واقعه کربلا موانع بیش از اینها بود. کار به جایی رسیده بود که دیگر نمی‌شد به طور علنی نام حسین بن علی را بر زبان راند. پس از سخنرانی زینب، از میان همین مردم کوفه، عده‌ای پیشیمان شدند، قیام کردند، اجتماعی عجیب تشکیل دادند و با حکومت جنگیدند و تا آخرین نفر کشته شدند. قیام توابین، قیام مختار و قیام‌های دیگر، بنی‌امیه را سخت ناراحت کرده بود. تصمیم گرفته بودند تا آنجا که برای‌شان میسر است کاری کنند که دیگر نام حسین هم برده نشود. خب! حالا تکلیف پیشوایان مکتب حسین، امام سجاد و امام باقر و امام صادق و اینها چیست. باید فکری کرد، باید چاره‌ای اندیشید و راهی باز کرد. گفتند ای مسلمانان! ای دوستان! حسین! کار پراچر و ثواب برای شما این است که لاقول روز عاشورا به یاد حسین بقیقتید و گریه کنید. این گریه ثواب فراوانی دارد. روایاتی که در باب ثواب فراوان که گریه بر اباعبدالله است، از نظر زنده نگه داشتن خاطره کربلا

کمترین و ساده‌ترین راه برای زنده نگه داشتن خاطره کربلا و نام حسین بن علی ۳ چیز بود: یکی تشویق دوستان حسین به زیارت قبر وی، چه از نزدیک و چه از دور. هر گوشه دنیا هستی رو به کربلا بایست و بگو «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللَّهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ لَتِي خَلَّتْ فِغْطَاكِ عَلَیْكَ مَتَى سَلَامُ اللَّهِ (بِئَا) مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ، يَا اَبَاعَبْدِاللَّهِ». روایاتی که در باب ثواب زیارت حسین و گریه بر حسین وارد شده ابتکار اجتماعی و دینی بسیار خوبی است. این ماییم که اشتباه می‌فهمیم. از شما می‌پرسم: در روز گاری که اگر کسی نام حسین را بر لب می‌آورد زبانش را از حلقومش بیرون می‌کشند، آیا راهی بهتر از این هم بود که عواطف درونی مردم را نسبت به حسین و قیام حسینی مستمتر و مستدام، زنده و جاودان نگه دارند؟ این است که مساله ثواب گریه بر اباعبدالله و شهدای کربلا، مساله ثواب بر زیارت اباعبدالله و شهدای کربلا، در جای خودش بسیار عالی است. این ما هستیم که گاهی چیزی را از جای خودش برمی‌داریم و به جای دیگری می‌بریم. این اشتباه ما است اگر نه آنجا اشتباهی نیست به شرط آنکه زیارت، زیارت اباعبدالله باشد. گریه، گریه بر اباعبدالله باشد. لابد اسم مرحوم شیخ مرتضی انصاری، فقیه بزرگ شیعه را که ۱۰۴ سال پیش وفات کرده، شنیده‌اید. شیخ انصاری در کتاب فقه معروفش مکاسب محرمة، می‌گوید غالب گریه‌کنندگان باید فکر کنند گریه‌شان بر اباعبدالله است یا نه؟ گاهی اوقات می‌بینید در مجلسی که سخن از اباعبدالله به میان می‌آید، مرد و زن گریه می‌کنند اما واقعا

عاشورا از نگاه آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی
عزاداری و گریه راهبرد حفظ فرهنگ عاشورا

